



An Early Entrepreneurship Education Model for Primary School Students: A Gender analysis

Maryam Azizi¹ | Zohreh Motamedi Nia^{2✉} | Mohammad Solimanifard³

1. Expert of Incubator Center at Ilam Science and Technology Park, Ilam, Iran. E-mail: m.azizi@ilam.stp.ir
2. Corresponding Author, Director of Incubator Center at Ilam Science and Technology Park, Ilam, Iran. E-mail: z.motamedi@ilam.stp.ir
3. Expert of Sarmad Ilam Insurance, Ilam, Iran. E-mail: solimanifard@sarmadins.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
05. 08. 2023
Revised:
22. 09. 2023
Accepted:
23. 09. 2023

Keywords:

Entrepreneurship
Education,
Entrepreneurial
Capabilities,
Grounded Theory,
Gender Analysis.

Introduction: In today's educational landscape, the focus of entrepreneurship education is predominantly at the higher education or secondary school level. Unfortunately, there is a lack of emphasis on entrepreneurship programs at the elementary school level, which is concerning and poses its own challenges due to the significant population of primary school students. Furthermore, the early years of school play a crucial role in their lives, and it is essential how these years are experienced and what abilities and skills they acquire. Therefore, entrepreneurship education has found its way into various educational programs, including primary schools, so it has become essential during early childhood as it plays a crucial role in developing entrepreneurial skills and empowering individuals to start a business. The aim of the current study was to design an early entrepreneurship education model for primary school students and compare the model factors among the female and male managers and teachers in Ilam City.

Methodology: The study employed a sequential mixed method involving qualitative and quantitative methods. Grounded theory and survey methods were used in the qualitative and quantitative phases, respectively. The research population of the quantitative phase was composed of all experts who were familiar with the research topic, out of whom 22 experts were selected using the purposive technique. The population in the quantitative phase was composed of all principals and teachers of elementary schools in Ilam County, out of whom 261 were selected by the convenience technique. The data collection instrument was semi-structured interviews in the qualitative phase and a closed-end questionnaire in the quantitative phase. In the qualitative phase, the three-step coding method was used for data analysis. Descriptive (average) and inferential statistics (comparison of averages) using Spss₂₀ were employed to analyze data in the quantitative phase.

Findings: The results in the qualitative phase showed that the development of early entrepreneurship education in primary schools was affected by causal factors (macro-policy, micro-policy, educational goal setting, and reform of the educational system), contextual factors (educational environment, entrepreneurial environment, entrepreneurial events, and motivated teachers) and intervening factors (content production, teaching methods, and evaluation methods). These factors lead to the development of entrepreneurial capabilities. Also, the results in the quantitative phase showed that female teachers believed the role of producing suitable content in developing early entrepreneurship education for students to a greater extent than their male colleagues did.

Conclusion/ Implications: It is recommended to focus on building a positive culture within the educational system to shift beliefs and foster a more optimistic attitude among educational policymakers, principals, and primary school teachers. Additionally, suitable educational materials should be developed for primary students to enhance their entrepreneurial knowledge.

Cite this article:

Azizi, M., Motamedi Nia, Z., & Solimanifard, M. (2024). An Early Entrepreneurship Education Model for Primary School Students: A Gender analysis. *Journal of Entrepreneurship Research*, 3(1), 37- 56.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2023.2008524.1052>



© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

تدوین مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی: تحلیل جنسیتی

مریم عزیزی^۱ | زهره معتمدی‌نیا^۲ | محمد سلیمانی‌فرد^۳

۱. کارشناس مرکز رشد جامع پارک علم و فناوری ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: m.azizi@ilam-stp.ir

۲. نویسنده مسئول، مدیر مرکز رشد جامع پارک علم و فناوری ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: z.motamedi@ilam-stp.ir

۳. کارشناس بیمه سرمد، شعبه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: solimanifard@sarmadins.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه: امروزه اکثر آموزش‌های کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها و یا مدارس متوسطه صورت می‌گیرند و توجه اندکی به برنامه‌های آموزش کارآفرینی در سطح مدارس ابتدایی می‌شود که این کم‌توجهی و غفلت، بسیار قابل تأمل و البته مسئله‌ساز است؛ زیرا دانش‌آموزان مدارس ابتدایی جمعیت قابل‌توجهی را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، سال‌های اولیه مدرسه نقش بسیار مهمی در مسیر زندگی دانش‌آموزان دارد و این که چگونه این سال‌ها تجربه می‌شود و چه توانایی‌ها و مهارت‌هایی کسب می‌شود، بسیار مهم است. لذا آموزش کارآفرینی جای خود را در دوره‌های مختلف تحصیلی از جمله مدارس ابتدایی باز کرده است؛ به گونه‌ای که آموزش کارآفرینی در سال‌های نخست کودکی به یک نیاز تبدیل شده است؛ چرا که آموزش کارآفرینی نقش مهمی در توسعه مهارت‌های کارآفرینانه و تقویت پتانسیل افراد برای راه‌اندازی کسب‌وکار دارد. هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی و مقایسه عوامل سازنده مدل در میان مدیران و معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان ایلام بود.

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۵/۱۴

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها:

آموزش کارآفرینی، توانمندی‌های کارآفرینانه، نظریه داده‌بنیاد، تحلیل جنسیتی.

روش‌شناسی: این پژوهش با روش آمیخته متوالی (کیفی - کمی) انجام شد. در بخش کیفی، از روش نظریه داده‌بنیاد و در بخش کمی، از روش پیمایش استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی شامل کلیه خبرگان در زمینه موضوع مورد مطالعه در شهرستان ایلام بودند که ۲۲ نفر از آنان با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل کلیه مدیران و معلمان مدارس ابتدایی در شهرستان ایلام بود که ۲۶۱ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی پرسشنامه بسته‌پاسخ بود. در بخش کیفی از روش کدگذاری سه مرحله‌ای و در بخش کمی در دو بخش آمار توصیفی (میانگین) و آمار استنباطی (مقایسه میانگین) از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش در بخش کیفی نشان داد که توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی در مدارس ابتدایی تحت تأثیر شرایط علی (سیاست‌گذاری کلان، سیاست‌گذاری خرد، هدف‌گذاری آموزشی و اصلاح سیستم آموزشی)، عوامل زمینه‌ای (محیط آموزشی، محیط کارآفرینانه، رویدادهای کارآفرینانه و معلمان بانگیزه) و عوامل مداخله‌گر (تولید محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی) است که منجر به توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه می‌شوند. همچنین، مطابق یافته‌های بخش کمی، معلمان زن اعتقاد بیشتری به نقش تولید محتوای مناسب در توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان داشتند.

نتیجه‌گیری / دستاوردها: با توجه به نتایج پژوهش فرهنگ‌سازی در سطح سیستم آموزشی جهت تغییر باور و ایجاد نگرش مثبت در سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران و معلمان مدارس ابتدایی پیشنهاد می‌شود. همچنین، بایستی محتواهای مناسب آموزشی برای دانش‌آموزان ابتدایی به‌منظور ارتقاء دانش کارآفرینی آن‌ها تولید و ارائه گردد.

استناد: عزیزی، مریم، معتمدی‌نیا، زهره. و سلیمانی‌فرد، محمد. (۱۴۰۳). تدوین مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی: تحلیل

جنسیتی. *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۳ (۱)، ۵۶-۳۷.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2023.2008524.1052>

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.



مقدمه

امروزه کارآفرینی در آموزش و پرورش یک فعالیت نبوده، بلکه یک رویکرد است؛ چرا که کارآفرینی مهمترین عامل در ساخت و توسعه اقتصادی (Hashemi & Maschinch, 2018) و قوی‌ترین نیروی محرکه رشد و توسعه محسوب می‌شود. به همین دلیل، سیاست‌گذاران تمایل زیادی به توسعه کارآفرینی دارند (O'Connor, 2013) و به‌زعم این سیاست‌گذاران کارآفرینی را می‌توان از طریق آموزش خصوصاً آموزش کارآفرینی توسعه داد. فرض غالب نیز بر آن است که مهارت‌های کارآفرینانه را می‌توان آموزش داد؛ چرا که این مهارت‌ها ویژگی‌های ذاتی نیستند (Oosterbeek et al., 2010). بر همین اساس، برنامه‌های آموزش کارآفرینی در سراسر دنیا توسعه یافته‌اند؛ اما نکته قابل توجه آن است که اکثر این آموزش‌ها در سطح آموزش عالی و یا نهایتاً سطح متوسطه صورت می‌گیرند (Huber et al., 2014) و توجه اندکی به برنامه‌های آموزش کارآفرینی در سطح مدارس ابتدایی می‌شود که این کم‌توجهی و غفلت، بسیار قابل تأمل و البته مسئله‌ساز است؛ زیرا دانش‌آموزان مدارس ابتدایی جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند (Elert et al., 2015). افزون بر این، سال‌های اولیه مدرسه نقش بسیار مهمی در مسیر شغلی آینده دانش‌آموزان دارد و این‌که چگونه این سال‌ها تجربه می‌شود و چه توانایی‌ها و مهارت‌هایی کسب می‌شود، بسیار مهم است (Moberg, 2014). لذا آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز کرده است، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از جمله مدارس ابتدایی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که آموزش کارآفرینی در سال‌های نخست کودکی به یک نیاز تبدیل شده است (Sarikaya & Coskun, 2015)؛ چرا که آموزش کارآفرینی نقش مهمی در توسعه مهارت‌های کارآفرینانه و تقویت پتانسیل افراد برای راه‌اندازی کسب‌وکار دارد (Gadzali et al., 2023). از همین روی، در اکثر کشورها تلاش‌های گسترده‌ای برای آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان ابتدایی در حال انجام است که از جمله آن‌ها می‌توان به برنامه‌های آموزشی جامعه کوچک^۱ در مدارس آمریکا اشاره کرد. این برنامه دارای اهدافی از قبیل آموزش مفاهیم کارآفرینی از جنبه عملی و ترکیب کارآفرینی با موضوعات درسی است. علاوه بر این، در کشورهای قبیل کانادا، چین و سنگاپور برنامه‌های آموزش کارآفرینی وجود دارند که در آن‌ها آموزش نوآوری و کارآفرینی در قالب سرگرمی و کارهای دستی به کودکان دبستانی ارائه می‌شود؛ بنابراین، در بسیاری از کشورها تلاش‌های جدی در زمینه توسعه آموزش کارآفرینی از دوره‌های پیش از دبستان و دبستان آغاز شده و اقداماتی در زمینه برنامه درسی آن‌ها برای آماده‌سازی کودکان با وضعیت اقتصادی و اجتماعی قرن ۲۱ صورت گرفته است. بدین صورت که در برخی از این کشورها آموزش کارآفرینی اجباری بوده و در برخی دیگر نیز کارآفرینی به صورت تلفیقی با دروس مختلف آموزش داده می‌شود. به‌طور کلی، حدود دو سوم از کشورهای اروپایی به‌صراحت ضرورت آموزش کارآفرینی را تشخیص داده و آن را وارد برنامه‌های درسی ملی خود در دوره‌های پیش از دبستان و دبستان نموده‌اند (Sabzeh, 2015)؛ چرا که گنجانیدن برنامه‌های آموزش کارآفرینی در برنامه درسی مدارس موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری کودکان، پرورش مهارت‌های شغلی و مدیریتی و افزایش ارتباط بین مدارس و صنعت می‌شود. با این وجود، در سیستم آموزشی کشور ما آغاز آموزش کارآفرینی از دانشگاه‌ها بوده و این درحالی است که ایجاد نگرش و پرورش مهارت‌ها در سنین پایین‌تر صورت می‌گیرد و این موضوع در نظام آموزشی ما مورد غفلت واقع شده است (Azizi & Mokhtari, 2018). درحالی که نیازهای کارآفرینانه باید زمانی که دانش‌آموزان مشغول تحصیل هستند در فرایند یادگیری تلفیق شوند تا دانش‌آموزان در آینده مستقل بار آمده و به‌جای این‌که در جستجوی کار باشند، شغلی را خلق نمایند (Wardani et al., 2019)، با این حال، مطابق مطالعات صورت گرفته، مدل‌های آموزشی و برنامه‌های درسی موجود، دانش‌آموزان را برای زندگی و رویارویی مؤثر با چالش‌های عصر کنونی پرورش نمی‌دهند؛ لذا نظام آموزشی ما نیازمند مدل‌های آموزشی جدید بوده، مدل‌هایی که بتوانند نگرش و مهارت‌های متناسب با نیازهای دنیای امروز را در دانش‌آموزان ایجاد نمایند (Nwekeaku, 2013). از این‌رو، باید کارآفرینی

^۱ Mini Society

به‌عنوان یک رویکرد در مدارس ابتدایی لحاظ شود (Moberg, 2014)؛ چرا که سرمایه‌گذاری در مهارت‌های کارآفرینانه در ۲۰ سالگی دیر بوده و بهترین زمان برای آن اواسط دوران کودکی است؛ از این رو، توجه جدی به مقوله آموزش بهنگام کارآفرینی با بهره‌گیری از مدلی مناسب در سطح مدارس ابتدایی ضرورت داشته و فرهنگ‌سازی از طریق تبلیغات گسترده و رسانه‌های جمعی نیز در این خصوص امری لازم و مهم است که می‌بایست در تدوین اهداف آموزش کارآفرینی به‌طور ویژه مدنظر قرار گیرد (Mortezanejad et al., 2017). بنابراین، هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام بود که نسبت به پژوهش‌های گذشته از این جنبه که تاکنون مدل جامعی برای آموزش بهنگام کارآفرینی به دانش‌آموزان ابتدایی تدوین نشده و نیز در این خصوص تحلیل جنسیتی صورت نگرفته است، دارای نوآوری می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر موضوع آموزش کارآفرینی بسیار گسترده شده و تنها منحصر و محدود به حوزه کسب‌وکار نبوده؛ بلکه آموزش آن وارد محیط‌های آموزشی و مدارس شده است و این امر در سراسر جهان تأثیر گسترده‌ای بر برنامه‌های آموزشی هم در مباحث تئوری و هم در عمل داشته است؛ از سوی دیگر، موضوع آموزش کارآفرینی از اوایل کودکی به‌طور جدی مورد بحث و توجه قرار گرفته است؛ به‌طوری که جوهانیسون (Johannisson, 2011) اظهار داشته که کودکان به‌طور طبیعی کارآفرین به‌دنیا می‌آیند و این وظیفه مدارس است که توانایی‌های کارآفرینانه کودکان را توسعه دهد؛ لذا می‌طلبید که آموزش کارآفرینی هرچه زودتر از مدارس ابتدایی آغاز گردد و به‌منظور انجام بهینه این نقش لازم است که سازمان آموزش و پرورش برنامه‌ای جامع و مدون جهت آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان مدارس ابتدایی داشته باشد (Mortezanejad et al., 2017)؛ البته نباید از نظر دور داشت که خانواده نیز از مهم‌ترین عوامل رشد در دانش‌آموزان بوده؛ به‌گونه‌ای که نقش خانواده در حمایت از آموزش کارآفرینی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد نموده و محیط آن تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های فرد دارد (Azzaakiyyah, 2023; Diawati et al., 2023; Manafe et al., 2023). لذا اگر سرمایه‌گذاری خانواده بر روی دانش‌آموزان با آموزش مناسب در مدارس ابتدایی همراه گردد، بسیار اثرگذار خواهد بود (Moberg, 2014)؛ همچنین، باید خاطر نشان کرد، معلمان نیز از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی هستند؛ زیرا می‌توانند کارآفرینی را با فرآیند یاددهی-یادگیری و زندگی روزمره کودکان طوری گره بزنند که آن‌ها ناخواسته همچون کارآفرینان فکر کرده، مخاطره‌پذیر و مسئولیت‌پذیر شوند، از مهارت‌های حل‌مسئله برخوردار گردند، فرصت‌های ثروت‌آفرینی مادی و معنوی را به‌خوبی تشخیص دهند و قادر باشند تا ارزش‌آفرینی کنند؛ اما باید توجه داشت که در آموزش کارآفرینی از روش‌های تدریس، ارزشیابی و محتوای یادگیری استفاده شود که مربوط به محیط واقعی کارآفرینی بوده و ترغیب‌کننده یادگیری فعال و مبتنی بر تجارب باشد (Zanganeh et al., 2019). لذا از مهم‌ترین اقدامات در توسعه آموزش کارآفرینی تعیین شیوه‌های تدریس مناسب بوده؛ زیرا ماهیت کارآفرینی مؤید آن است که به‌کارگیری راهبردهای اثربخش می‌تواند ضامن موفقیت در دستیابی به اهداف تعیین شده باشد (Mortezanejad et al., 2017)؛ به‌علاوه، شناخت شیوه‌های آموزشی هم به مدرسان کارآفرینی و هم به سیاست‌گذاران آموزشی در تدوین برنامه‌ها و طرح درس‌های کارآفرینی کمک به‌سزایی می‌کند (Ahmadi et al., 2018)؛ از این رو، گفته می‌شود آموزش کارآفرینی مستلزم روش‌ها و رویکردهای آموزشی متفاوتی است؛ زیرا استفاده از روش‌های آموزشی رایج برای رشد و توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه نتایج موردانتظار را برآورده نخواهد کرد (Marques & Albuquerque, 2012)؛ همچنین، باید این نکته به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد که از جمله چالش‌های ارزشیابی آموزش کارآفرینی انتخاب شاخص‌هایی است که مقبولیت عمومی داشته باشند و اگر اهداف دوره‌های آموزش کارآفرینی با نگاهی دقیق و موشکافانه تعریف شوند، زمینه ارزشیابی دوره‌ها مبتنی بر اهداف بسیار سهل‌تر خواهد شد. البته باید اشاره کرد، هدف از ارزشیابی آموزش کارآفرینی نباید اختصاص نمره یا تصمیم‌گیری به‌منظور ارتقاء باشد، بلکه ارزشیابی‌ها از نوع فرایندی و بازخورد حاصل از آن به‌منظور بهبود راهبردهای یاددهی و یادگیری و برطرف کردن نقاط ضعف احتمالی باشد تا دانش‌آموزان بتوانند با

اعتماد به نفس و توانمندی بیشتر در مسیر عمل گام بردارند (Mortezanejad et al., 2017)؛ به علاوه باید افزود، چارچوب‌ها، دیدگاه‌ها و اهداف متفاوت برنامه‌های آموزش کارآفرینی منجر به ایجاد تفاوت در محتوای این برنامه‌ها می‌شود؛ بدین صورت که در دوره‌های مختلف آموزش کارآفرینی متناسب با اهداف، محتواهای متفاوتی به فراگیران ارائه می‌شوند (Mazbouhi et al., 2012). در ادامه براساس بررسی‌های صورت گرفته به مهم‌ترین و مرتبط‌ترین مطالعات انجام شده ابتدا در سطح ملی و سپس در سطح بین‌المللی پرداخته شده است:

احمدپور کریم‌آبادی و همکاران (Ahmadpour et al., 2022) در مطالعه خود با عنوان «ارائه مدل آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی» در تحلیل تماتیک در مجموع شش عامل اصلی و اثرگذار را به ترتیب نشان دادند که عبارت بودند از: آموزش‌های کارآفرینانه در ایران، توانمندی‌های کارآفرینانه در مدارس، آموزش در مدارس، کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی، اهداف مطلوب در برنامه توسعه توانمندی‌های کارآفرینی، عوامل محیطی و توسعه توانمندی‌های کارآفرینی. امید و همکاران (Omidi et al., 2019) در مطالعه خود دریافتند که «طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقوله محوری برمبنای شرایط علی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» و از طریق راهبردهای «مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان» به عنوان زمینه الگو محقق می‌شود و منجر به تحقق «پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی» می‌گردد. آراستی و همکاران (Arasti et al., 2017) در مطالعه خود با عنوان «تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان ابتدایی» دریافتند که روش داستان‌سرایی یکی از روش‌های آموزشی مؤثر بوده که موجب تقویت خلاقیت، میل به موفقیت، کنترل درونی و عزت نفس در کودکان می‌شود. سبزه (Sabzeh, 2015) در مطالعه خود با عنوان «ضرورت آموزش کارآفرینی به کودکان» دریافت، همان‌گونه که یادگیری خواندن، نوشتن و حساب کردن برای کودکان مهم است، آموزش کارآفرینی به کودکان نیز لازم و ضروری است؛ چرا که آموزش کارآفرینی به کودکان می‌تواند مهارت‌های مهمی را که لازمه پیشرفت زندگی کودکان است به آن‌ها اعطا کند.

ویت‌لاک (Whitlock, 2019) در مطالعه خود با عنوان «کارآفرینان مدرسه ابتدایی» دریافت که از طریق تجارب اصیل و واقعی یادگیری مبتنی بر پروژه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی به درک جامع‌تر و پیچیده‌تری از وام و تأمین مالی خرد در ایجاد یک کسب‌وکار اجتماعی رسیدند. واردانی و همکاران (Wardani et al., 2019) مطالعه‌ای با عنوان «اثربخشی رویکرد آموزش کارآفرینی مبتنی بر ایفای نقش بر ارزش‌های کارآفرینانه در مدارس ابتدایی» انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش کارآفرینی مبتنی بر ایفای نقش در پرورش ارزش‌های کارآفرینانه اثرگذار بوده است. جووا و همکاران (Juvova et al., 2017) در مطالعه خود با عنوان «آموزش کارآفرینی: یک چالش برای تمرین مدرسه» با هدف بررسی روش‌های آموزش کارآفرینی برای به‌کارگیری ایده‌های کارآمد و اصلی در آموزش مدرسه دریافتند که نقش معلمان در روند اجرای آموزش کارآفرینی تغییر می‌کند و آن‌ها باید مطابق با رویکردهای تدریس مدرن به‌عنوان مشاور و هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دانش‌آموزان ایفای نقش کنند تا دانش‌آموزان فرصت کافی برای خودمختاری، مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری در مواجهه با مشکلات را یاد بگیرند؛ به عبارت دیگر، نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که به‌کارگیری رویکرد کارآفرینانه در آموزش کودکان باعث افزایش مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی، خطرپذیری در شرایط غیرقابل انتظار و سواد عملی آن‌ها می‌شود. کارکاموسولیس و همکاران (Carcamo-Solis et al., 2017) مطالعه‌ای با عنوان «توسعه کارآفرینی در مدارس ابتدایی، اولین شرکت من: کارآفرینی از طریق بازی» انجام دادند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از آن بود که بهبود قابل‌توجهی در دانش اجرایی و مهارت‌های کارآفرینانه و همچنین، تقویت ارزش‌های کسب‌وکار در دانش‌آموزان شرکت‌کننده در برنامه ایجاد شده است.

قابل ذکر است که تاکنون مدل جامعی که توسعه آموزش به‌نگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام را مورد توجه قرار داده باشد، طراحی و تدوین نشده است؛ لذا پژوهش حاضر به‌دنبال طراحی و تدوین مدل آموزش به‌نگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی و مقایسه عوامل سازنده مدل در میان مدیران و معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان

- ایلام بود که این امر مستلزم واکاوی و مفهوم‌سازی مقوله‌های: شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر (واسطه‌ای)، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها مطابق الگوی سیستماتیک نظریه داده‌بنیاد بود. در ادامه اهداف پژوهش آورده شده‌اند:
۱. واکاوی شرایط علی مؤثر بر آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام؛
 ۲. واکاوی عوامل مداخله‌گر مؤثر بر آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام؛
 ۳. واکاوی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام؛
 ۴. واکاوی راهبردهای اتخاذ شده برای آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام؛
 ۵. واکاوی پیامدهای حاصل از اجرای راهبردهای اتخاذ شده برای آموزش بهنگام کارآفرینی به دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام؛
 ۶. مقایسه عوامل سازنده مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی در میان مدیران و معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان ایلام.

روش‌شناسی پژوهش

پارادایم پژوهش حاضر کیفی- کمی است. در بخش کیفی، تحقیق از طریق بازنمایی مفاهیم مرتبط با شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مرتبط با آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی اقدام به طراحی و تدوین مدلی برای آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام شد.

بخش کیفی: در بخش کیفی از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان در این بخش، شامل کلیه خبرگان در زمینه موضوع مورد مطالعه (متخصصان برنامه‌ریزی درسی، روان‌شناسان تربیتی، اساتید کارآفرینی، مربیان کارآفرینی و آموزگاران برتر مقطع ابتدایی) در شهرستان ایلام بودند که ۲۲ نفر از آنان با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند که پاره‌ای از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان به شرح جدول ۱، می‌باشد.

جدول ۱. فراوانی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته

ردیف	مشخصات مشارکت‌کنندگان	فراوانی
۱	مرد	۱۱
۲	زن	۱۱
۳	دارای مدرک دکتری	۱۴
۴	دارای مدرک کارشناسی ارشد	۸
۵	دارای تجربه جهان شهری	۷
۶	فاقد تجربه جهان شهری	۱۵

نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه داشت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. در این بخش از پژوهش از روش کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) با استفاده از رویکرد اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 2015) استفاده شد. در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها چندین بار مورد بازخوانی قرار گرفته و به هر واژه، جمله، بند یا سندی که مبین یک مفهوم بود، برچسب مفهومی خاص اطلاق شد. در مرحله کدگذاری محوری، ضمن تبیین ارتباط طبقات فرعی و اصلی از پارادایم کدگذاری محوری اشتراوس و کوربین بهره گرفته شد. تلخیص مفاهیم در قالب طبقات فرعی و اصلی بر مبنای بار معنایی و روندهای مستتر در ورای مفاهیم صورت گرفت؛ در واقع، مفاهیمی که حامل بار معنایی واحد بوده یا روند خاصی از عوامل سازنده مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی را تداعی می‌کردند، ذیل طبقات مشخص قرار گرفتند. درنهایت، با بهره‌گیری از کدگذاری انتخابی، روابط موجود در پارادایم کدگذاری شرح و بسط یافت. روایی و پایایی نیز با

استفاده از سه‌وجهی‌سازی محقق بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. قابل ذکر است که با توجه به اهمیت واحد تحلیل، کدگذاری و تلخیص واحدهای معنایی انجام شد. واحد معنایی در این تحقیق مشتمل بر واژه، جمله یا پاراگرافی بود که مفهومی از «عوامل مؤثر بر توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی» را به ذهن متبادر می‌ساخت. روش کار بدین صورت بود که چهار تحلیل‌گر واحدهای معنایی را استخراج و در صورت عدم توافق در خصوص واحدهای معنایی جلسات هماهنگی برگزار و با استفاده از سه‌وجهی‌سازی محقق از اعتبار و اطمینان واحدهای معنایی اطمینان حاصل می‌شد. لازم به ذکر است که در کدگذاری باز، روش‌های مختلفی برای کدگذاری باز وجود دارد که عبارتند از: تحلیل خط‌به‌خط مصاحبه‌ها و مشاهدات اولیه، تحلیل جملات یا پاراگراف‌های مصاحبه‌ها و مشاهدات اولیه، تحلیل یک سند کامل با مشاهده یا مصاحبه. در کدگذاری باز، پدیده‌ها نام‌گذاری می‌شوند؛ چرا که مفاهیم، واحد تحلیلی در نظریه داده‌بنیاد هستند. ادیب‌حاج‌باقری و همکاران (Adib Haj Bagheri et al., 2014) بر این باورند که با دو روش می‌توان نتایج کدگذاری باز را گزارش نمود: ۱. از زبان فرد مصاحبه یا مشاهده‌شده و ۲. کدهای دلالت‌انگیز که محقق بر مبنای مفاهیم موجود در اطلاعات می‌سازد. پس از این که در روند کدگذاری باز داده‌ها به مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها تقسیم می‌شوند، کدگذاری محوری آن‌ها را به سمت هم می‌کشاند تا ارتباط آنها و طبقه‌بندی‌ها و زیرطبقه‌بندی‌ها را در شکل جدیدی نشان دهد؛ بنابراین، کدگذاری محوری برقراری ارتباط بین طبقه‌بندی‌ها با طبقات خردتر و ابعاد آن‌ها است.

جدول ۲. نتایج بررسی پایایی به تفکیک زیرطبقه‌های مورد مطالعه

طبقه‌ها	زیر طبقه‌ها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل علی	سیاست‌گذاری کلان	۷	۰/۸۷
	اصلاح سیستم آموزشی	۳	۰/۵۸
	هدف‌گذاری آموزشی	۵	۰/۹۲
	سیاست‌گذاری خرد	۷	۰/۸۹
عوامل مداخله‌گر	تولید محتوا	۶	۰/۸۸
	روش‌های تدریس	۹	۰/۹۴
	روش‌های ارزشیابی	۳	۰/۷۱
عوامل زمینه‌ای	محیط آموزشی	۶	۰/۸۹
	محیط کارآفرینانه	۳	۰/۷۹
	معلمان بانگیزه	۱۰	۰/۹۴
	رویدادهای کارآفرینانه	۵	۰/۸۷
راهبردها	فرهنگ‌سازی در سیستم آموزشی	۴	۰/۸۸
	فرهنگ‌سازی در جامعه	۳	۰/۷۸
	فرهنگ‌سازی در خانواده	۶	۰/۸۸
	الگوپردازی	۵	۰/۸۹
	بومی‌سازی الگوها	۳	۰/۷۱
	توانمندسازی معلمان	۴	۰/۸۵
پیامدها	توانمندسازی روانشناختی	۳	۰/۷۴
	توسعه مهارت‌های گروهی	۳	۰/۸۶
	توسعه مهارت‌های فردی	۶	۰/۸۹
	توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه	۱۱	۰/۹۴
	توسعه و هدایت استعدادها	۴	۰/۸۹

بخش کمی: در بخش کمی تحقیق از روش پیمایش استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه مدیران و معلمان ابتدایی در شهرستان ایلام بود که ۲۶۱ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه بسته-پاسخ بود که براساس یافته‌های بخش کیفی تحقیق مفاهیم دارای فراوانی بالا در پرسشنامه لحاظ گردید و در میان مدیران و معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان ایلام به صورت الکترونیکی توزیع شد. قابل ذکر است که در دو بخش آمار توصیفی (میانگین) و آمار استنباطی (مقایسه میانگین‌ها) با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت. در این بخش، روایی صوری و محتوایی با استفاده از نظرسنجی از چهار نفر متخصص در زمینه موضوع و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و تأیید قرار گرفت (جدول ۲). در ادامه، به منظور مقایسه دیدگاه مدیران و معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان ایلام در خصوص عوامل سازنده مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی از آزمون t استفاده شد. قابل ذکر است که اگر فرضیه مطرح شده در پژوهش به مقایسه میانگین دو جامعه بپردازد، به منظور بررسی صحت و سقم آن باید از آزمون t مقایسه میانگین دو جامعه استفاده کرد.

یافته‌ها

جدول ۳. طبقات و زیر طبقات استخراج شده در کدگذاری محوری (عوامل علی)

ردیف	مفاهیم	زیر طبقه	طبقه
۱	سیاست‌گذاری در سطح وزارت آموزش و پرورش	سیاست‌گذاری کلان	سیاست‌گذاری کلان
۲	حرکت سیستم آموزشی کشور به سمت آموزش کارآفرینی		
۳	قرارگیری سیاست‌گذاران مجرب در رأس هرم سیاست‌گذاری آموزشی		
۴	حذف کنکور به منظور پرورش خلاقیت دانش‌آموزان		
۵	ضمانت اجرایی برای سیاست‌های آموزش و پرورش در حوزه کارآفرینی		
۶	سیاست‌گذاری از پایین به بالا جهت نهادینه کردن آموزش کارآفرینی		
۷	قائم به فرد نبودن سیاست‌گذاری‌های حوزه آموزش و پرورش		
۸	برنامه‌ریزی و چشم‌انداز بلندمدت برای آموزش کارآفرینی		
۹	اصلاح وضعیت سیستم آموزشی کشور	اصلاح سیستم آموزشی	اصلاح سیستم آموزشی
۱۰	آموزش کارآفرینی بهنگام در سیستم آموزشی کشور		
۱۱	جلوگیری از تغییرات مکرر استراتژی‌های سیستم آموزشی		
۱۲	هدف‌گذاری دقیق برای آموزش کارآفرینی	هدف‌گذاری آموزشی	هدف‌گذاری آموزشی
۱۳	تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با نیاز جامعه		
۱۴	تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با نیازهای دانش‌آموزان		
۱۵	تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با سن دانش‌آموزان		
۱۶	تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با امکانات		
۱۷	همکاری و تعامل آموزش و پرورش با نهادهای متولی کارآفرینی		
۱۸	تقدیر از مدارس دارای برنامه در حوزه کارآفرینی	سیاست‌گذاری خرد	سیاست‌گذاری خرد
۱۹	اعطاء امتیاز به طرح درس‌های معلمان در حوزه آموزش کارآفرینی		
۲۰	تفویض اختیار به مدارس جهت ارائه آموزش خلاق و کارآفرینانه		
۲۱	تفویض اختیار به مدارس جهت هزینه‌کرد در حوزه آموزش کارآفرینی		
۲۲	به‌کارگیری مدیران دارای نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی		
۲۳	تقدیر از معلمان آموزش کارآفرینی		

کدگذاری باز: در تحقیق حاضر در مرحله کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها به صورت خطبه‌خط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مفاهیم کلیدی آن استخراج و نام‌گذاری شد. در نهایت، با توجه به قرابت معنایی، مفاهیم شناسایی شده در قالب خرده‌مقوله‌ها و مقوله‌های اصلی جای گرفت. در این مرحله تلاش شد تا حداکثر مفاهیم ممکن شناسایی و اطمینان حاصل شود که متن مصاحبه‌ها به طور کامل بررسی شده است. قابل ذکر است، برای گزارش نتایج کدگذاری از کدهای دلالت‌انگیز استفاده شد.

کدگذاری محوری: در این مرحله مفهیمی که در این تحقیق به شرایط علی توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی برمی‌گردد، ۴ زیر طبقه اصلی را تشکیل می‌دهند. زیرطبقه «سیاست‌گذاری کلان» شامل سیاست‌گذاری در سطح وزارت آموزش و پرورش، حرکت سیستم آموزشی کشور به سمت آموزش کارآفرینی، قرارگیری سیاست‌گذاران مجرب در رأس هرم سیاست‌گذاری آموزشی، حذف کنکور به منظور پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، ضمانت اجرایی برای سیاست‌های آموزش و پرورش در حوزه کارآفرینی، سیاست‌گذاری از پایین به بالا جهت نهادینه کردن آموزش کارآفرینی، قائم به فرد نبودن سیاست‌گذاری‌های حوزه آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی و چشم‌انداز بلندمدت برای آموزش کارآفرینی می‌باشد؛ همچنین، زیرطبقه «اصلاح سیستم آموزشی» مفاهیم اصلاح وضعیت سیستم آموزشی کشور، آموزش کارآفرینی بهنگام در سیستم آموزشی کشور و جلوگیری از تغییرات مکرر استراتژی‌های سیستم آموزشی را در خود جای داده است. زیرطبقه «هدف‌گذاری آموزشی»، هدف‌گذاری دقیق برای آموزش کارآفرینی، تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با نیاز جامعه، تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با نیازهای دانش‌آموزان، تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با سن دانش‌آموزان و تدوین اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با امکانات را پوشش می‌دهد. زیرطبقه «سیاست‌گذاری خرد» شامل همکاری و تعامل آموزش و پرورش با نهادهای متولی کارآفرینی، تقدیر از مدارس دارای برنامه در حوزه کارآفرینی، اعطاء امتیاز به طرح درس‌های معلمان در حوزه آموزش کارآفرینی، تفویض اختیار به مدارس جهت ارائه آموزش خلاق و کارآفرینانه، تفویض اختیار به مدارس جهت هزینه‌کرد در حوزه آموزش کارآفرینی، به‌کارگیری مدیران دارای نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی و تقدیر از معلمان آموزش کارآفرینی بوده؛ به عبارتی عوامل فوق‌الذکر عوامل توسعه‌دهنده آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی می‌باشند.

عوامل زمینه‌ای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شامل چهار زیرطبقه «محیط آموزشی»، «محیط کارآفرینانه»، «معلمان بانگیزه» و «رویدادهای کارآفرینانه» می‌باشد. زیرطبقه «محیط آموزشی» مشتمل بر فراهم کردن محیط پویا و شاد، محیا کردن فضاهای آموزشی مناسب، اصلاح فضاهای آموزشی موجود، استفاده از فضاهای آموزشی متنوع، فراهم کردن امکانات و تجهیزات لازم و استفاده از چیدمان‌های متفاوت دانش‌آموزان در کلاس‌های آموزشی می‌باشد. زیرطبقه «محیط کارآفرینانه» شامل مفاهیم فراهم کردن محیط کسب تجربه واقعی کارآفرینی برای دانش‌آموزان، امکان بازدید دانش‌آموزان از محیط‌های کارآفرینانه و آشنا نمودن دانش‌آموزان با محیط‌های واقعی و کارآفرینانه می‌باشد؛ همچنین، زیر طبقه «معلمان بانگیزه» مشتمل بر مفاهیم حضور معلمان دارای دانش و تخصص در حوزه کارآفرینی، حضور معلمان دارای تجربه در حوزه کارآفرینی، حضور معلمان دارای انگیزه و ذهنیت مثبت، ایجاد انگیزه در معلمان جهت مطالعه و دانش‌افزایی، ایجاد انگیزه در معلمان از طریق تشویق و پاداش، ایجاد انگیزه در معلمان از طریق تأمین مالی آن‌ها، ایجاد انگیزه در معلمان جهت ارائه آموزش کارآفرینی، ایجاد انگیزه در معلمان جهت شرکت در دوره‌های آموزش کارآفرینی، ترغیب معلمان جهت ایفای نقش تسهیل‌گری و ترغیب معلمان جهت ایفای نقش منتوری (راهنما) است؛ به علاوه، مفاهیم برگزاری مسابقه جهت شناسایی استعدادها دانش‌آموزان، برگزاری رویدادها، کارگاه‌ها و همایش‌های کارآفرینی در سطح مدارس، برگزاری نمایشگاه دست‌سازه‌های دانش‌آموزان، برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی توسط صاحبان کسب‌وکار و شرکت دانش‌آموزان در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های دانش‌آموزی جزء زیرطبقه «رویدادهای کارآفرینانه» بوده؛ به عبارت دیگر، عوامل فوق‌الذکر زمینه لازم جهت توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام را تأمین می‌نمایند.

جدول ۴. طبقات و زیر طبقات استخراج شده در کدگذاری محوری (عوامل زمینه‌ای)

ردیف	مفاهیم	زیرطبقه	طبقه
۱	فراهم کردن محیط پویا و شاد	محیط آموزشی	عوامل زمینه‌ای
۲	محبوب کردن فضاهای آموزشی مناسب		
۳	اصلاح فضاهای آموزشی موجود		
۴	استفاده از فضاهای آموزشی متنوع		
۵	فراهم کردن امکانات و تجهیزات لازم		
۶	استفاده از چیدمان‌های متفاوت دانش‌آموزان در کلاس‌های آموزشی		
۷	فراهم کردن محیط کسب تجربه واقعی کارآفرینی برای دانش‌آموزان	کارآفرینانه	
۸	امکان بازدید دانش‌آموزان از محیط‌های واقعی و کارآفرینانه		
۹	آشنا نمودن دانش‌آموزان با محیط‌های واقعی و کارآفرینانه		
۱۰	حضور معلمان دارای دانش و تخصص در حوزه کارآفرینی در مدارس	معلمان کارآفرینی	
۱۱	حضور معلمان دارای تجربه در حوزه کارآفرینی در مدارس		
۱۲	حضور معلمان کارآفرینی دارای ذهنیت مثبت		
۱۳	ایجاد انگیزه در معلمان جهت مطالعه و دانش‌افزایی		
۱۴	ایجاد انگیزه در معلمان از طریق تشویق و پاداش		
۱۵	ایجاد انگیزه در معلمان از طریق تأمین مالی آنها		
۱۶	ایجاد انگیزه در معلمان جهت ارائه آموزش کارآفرینی		
۱۷	ایجاد انگیزه در معلمان جهت شرکت در دوره‌های آموزش کارآفرینی		
۱۸	ترغیب معلمان جهت ایفای نقش تسهیلگری		
۱۹	ترغیب معلمان جهت ایفای نقش منتوری (راهنما)		
۲۰	برگزاری مسابقه جهت شناسایی استعدادها دانش‌آموزان	رویدادهای کارآفرینانه	
۲۱	برگزاری رویدادها، کارگاه‌ها و همایش‌های کارآفرینی در مدارس		
۲۲	برگزاری نمایشگاه دست‌سازهای دانش‌آموزان		
۲۳	برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی توسط صاحبان کسب‌وکار		
۲۴	شرکت دانش‌آموزان در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های دانش‌آموزی		

مفاهیمی که در این تحقیق به عوامل مداخله‌گر توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی برمی‌گردد، شامل «تولید محتوا»، «روش‌های تدریس» و «روش‌های ارزشیابی» است. زیرطبقه «تولید محتوا» مفاهیم تجدیدنظر و تغییر در سرفصل‌ها و محتوای آموزشی، تهیه محتوای درسی ساده و جذاب، تدوین محتوای آموزش کارآفرینی متناسب با سن دانش‌آموزان، تدوین محتوای آموزش کارآفرینی متناسب با نیاز دانش‌آموزان، تدوین کتب درسی بر مبنای رویکرد یادگیری فعال و تدوین محتوای آموزش کارآفرینی توسط افراد ماهر و صاحب‌نظر را در بر می‌گیرد. زیرطبقه «روش‌های تدریس» نیز مفاهیم استفاده از روش‌های جدید و خلاقانه، توجه به آموزش‌های عملی جهت پرورش مهارت‌ها، استفاده از آموزش تلفیقی (مربی در کنار فرد کارآفرین)، استفاده از روش‌های متنوع آموزشی، تجدیدنظر در روش‌های آموزشی، دعوت از کارآفرینان موفق در کلاس‌های آموزشی، انتخاب روش‌های آموزشی با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، استفاده از آموزش‌های عینی و ملموس، آموزش در محیط واقعی و به‌صورت عملی، به‌کارگیری ابزارهای کمک آموزشی در آموزش مفاهیم و به‌کارگیری آموزش‌های مهارتی و تجربی را در بر می‌گیرد؛ همچنین، زیرطبقه «روش‌های ارزشیابی» شامل مفاهیم کیفی‌سازی سیستم نمره‌دهی در مدارس، بهره‌گیری از روش‌های مناسب ارزشیابی فعالیت دانش‌آموزان و عدم استفاده از امتحان در حوزه آموزش کارآفرینی می‌باشد؛ به‌عبارت دیگر، مفاهیم فوق‌الذکر زمینه لازم جهت توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی را محیا می‌نماید.

طبقه راهبردهای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شامل شش زیرطبقه «فرهنگ‌سازی در سیستم آموزشی»، «فرهنگ‌سازی در جامعه»، «فرهنگ‌سازی در خانواده»، «الگوبرداری»، «بومی‌سازی الگوها» و «توانمندسازی معلمان» است.

جدول ۵. طبقات و زیرطبقات استخراج شده در کدگذاری محوری (عوامل مداخله‌گر)

ردیف	مفاهیم	زیرطبقه	طبقه
۱	تجدید نظر و تغییر در سرفصل‌ها و محتواهای آموزشی	توسعه محتوا	توسعه محتوا
۲	تهیه محتواهای درسی ساده و جذاب		
۳	تدوین محتواهای آموزش کارآفرینی متناسب با سن دانش‌آموزان		
۴	تدوین محتواهای آموزش کارآفرینی متناسب با نیاز دانش‌آموزان		
۵	تدوین کتب درسی بر مبنای رویکرد یادگیری فعال		
۶	تدوین محتواهای آموزش کارآفرینی توسط افراد ماهر و صاحب‌نظر		
۷	استفاده از روش‌های جدید و خلاقانه	روش‌های تدریس	روش‌های تدریس
۸	توجه به آموزش‌های عملی جهت پرورش مهارت‌ها		
۹	استفاده از آموزش تلفیقی (مربی در کنار فرد کارآفرین)		
۱۰	استفاده از روش‌های متنوع آموزشی		
۱۱	تجدیدنظر در روش‌های آموزشی		
۱۲	دعوت از کارآفرینان موفق در کلاس‌های آموزشی		
۱۳	انتخاب روش‌های آموزشی با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان		
۱۴	استفاده از آموزش‌های عینی و ملموس		
۱۵	آموزش در محیط واقعی و به‌صورت عملی		
۱۶	بکارگیری ابزارهای کمک آموزشی در آموزش مفاهیم		
۱۷	بکارگیری آموزش‌های مهارتی و تجربی	ارزشیابی روش‌های	ارزشیابی روش‌های
۱۸	کیفی‌سازی سیستم نمره‌دهی در مدارس		
۱۹	بهره‌گیری از روش‌های مناسب ارزشیابی فعالیت دانش‌آموزان		
۲۰	عدم استفاده از امتحان در آموزش‌های کارآفرینی		

زیرطبقه «فرهنگ‌سازی در سیستم آموزشی» مشتمل بر مفاهیم تغییر باور معلمان نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی، نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در سیستم آموزشی، تغییر باور مدیران نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی و تغییر باور سیاست‌گذاران نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی می‌باشد. زیرطبقه «فرهنگ‌سازی در جامعه» شامل استفاده از رسانه‌های با ضریب نفوذ بالا جهت نهادینه کردن کارآفرینی در جامعه، نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در جامعه و فرهنگ‌سازی در خصوص اهمیت فرد کارآفرین در رشد و توسعه جامعه می‌باشد. زیرطبقه «فرهنگ‌سازی در خانواده» مشتمل بر آگاه نمودن خانواده‌ها از اهمیت آموزش کارآفرینی، ایجاد نگرش مثبت در خانواده‌ها نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی، ترغیب خانواده‌ها جهت همکاری در برنامه‌های آموزش کارآفرینی مدارس، ترغیب خانواده‌ها جهت حمایت از تصمیم‌های شغلی دانش‌آموزان، ترغیب خانواده‌ها جهت توجه به علایق شغلی دانش‌آموزان و ترغیب خانواده‌ها جهت توجه به علایق تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. زیرطبقه «الگوبرداری» مشتمل بر مفاهیم الگوبرداری از سیستم‌های آموزشی موفق دنیا، الگوبرداری از مدل‌های آموزش موفق دنیا، الگوبرداری مدارس از مدارس موفق در زمینه آموزش کارآفرینی، الگوبرداری دانش‌آموزان از معلمان خود و الگوبرداری دانش‌آموزان از دانش‌آموزان کارآفرین می‌باشد. زیرطبقه «بومی‌سازی الگوها»، شامل بومی‌سازی مدل‌های آموزش کارآفرینی موفق دنیا، بومی‌سازی روش‌های تدریس کشورهای موفق در حوزه آموزش کارآفرینی و بومی‌سازی روش‌های ارزشیابی کشورهای موفق در حوزه آموزش کارآفرینی می‌باشد. زیرطبقه «توانمندسازی معلمان» مشتمل بر مفاهیم آموزش و تربیت معلمان کارآفرینی، هدفمند کردن دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان، به‌روز شدن دانش معلمان و تأمین مالی مناسب معلمان کارآفرینی می‌باشد. در واقع، عوامل فوق‌الذکر راهکارهای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی در مدارس ابتدایی شهرستان ایلام می‌باشند.

جدول ۶. طبقات و زیرطبقات استخراج شده در کدگذاری محوری (راهردها)

ردیف	مفاهیم	زیرطبقه	طبقه
۱	تغییر باور معلمان نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی	فرهنگسازی در سیستم آموزشی	طبقه
۲	نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در سیستم آموزشی		
۳	تغییر باور مدیران نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی		
۴	تغییر باور سیاستگذاران نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی		
۵	استفاده از رسانه‌های با ضریب نفوذ بالا جهت نهادینه کردن کارآفرینی در جامعه	فرهنگسازی در جامعه	طبقه
۶	نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در جامعه		
۷	فرهنگسازی در خصوص اهمیت فرد کارآفرین در توسعه جامعه		
۸	آگاه نمودن خانواده‌ها از اهمیت آموزش کارآفرینی	فرهنگسازی در خانواده	طبقه
۹	ایجاد نگرش مثبت در خانواده‌ها نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی		
۱۰	ترغیب خانواده‌ها جهت همکاری در برنامه‌های آموزش کارآفرینی مدارس		
۱۱	ترغیب خانواده‌ها جهت حمایت از تصمیم‌های شغلی دانش‌آموزان		
۱۲	ترغیب خانواده‌ها جهت توجه به علایق شغلی دانش‌آموزان		
۱۳	ترغیب خانواده‌ها جهت توجه به علایق تحصیلی دانش‌آموزان		
۱۴	الگوبرداری از سیستم‌های آموزشی موفق دنیا	الگوبرداری	طبقه
۱۵	الگوبرداری از مدل‌های آموزشی موفق دنیا		
۱۶	الگوبرداری مدارس از مدارس موفق در زمینه آموزش کارآفرینی		
۱۷	الگوبرداری دانش‌آموزان از معلمان خود		
۱۸	الگوبرداری دانش‌آموزان از دانش‌آموزان کارآفرین	بومی‌سازی الگوها	طبقه
۱۹	بومی‌سازی مدل‌های آموزش کارآفرینی موفق دنیا		
۲۰	بومی‌سازی روش‌های تدریس کشورهای موفق در حوزه آموزش کارآفرینی		
۲۱	بومی‌سازی روش‌های ارزشیابی کشورهای موفق در حوزه آموزش کارآفرینی	توانمندسازی معلمان	طبقه
۲۲	آموزش و تربیت معلمان کارآفرینی		
۲۳	هدمند کردن دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان		
۲۴	به‌روز شدن دانش معلمان		
۲۵	تأمین مالی مناسب معلمان کارآفرینی		

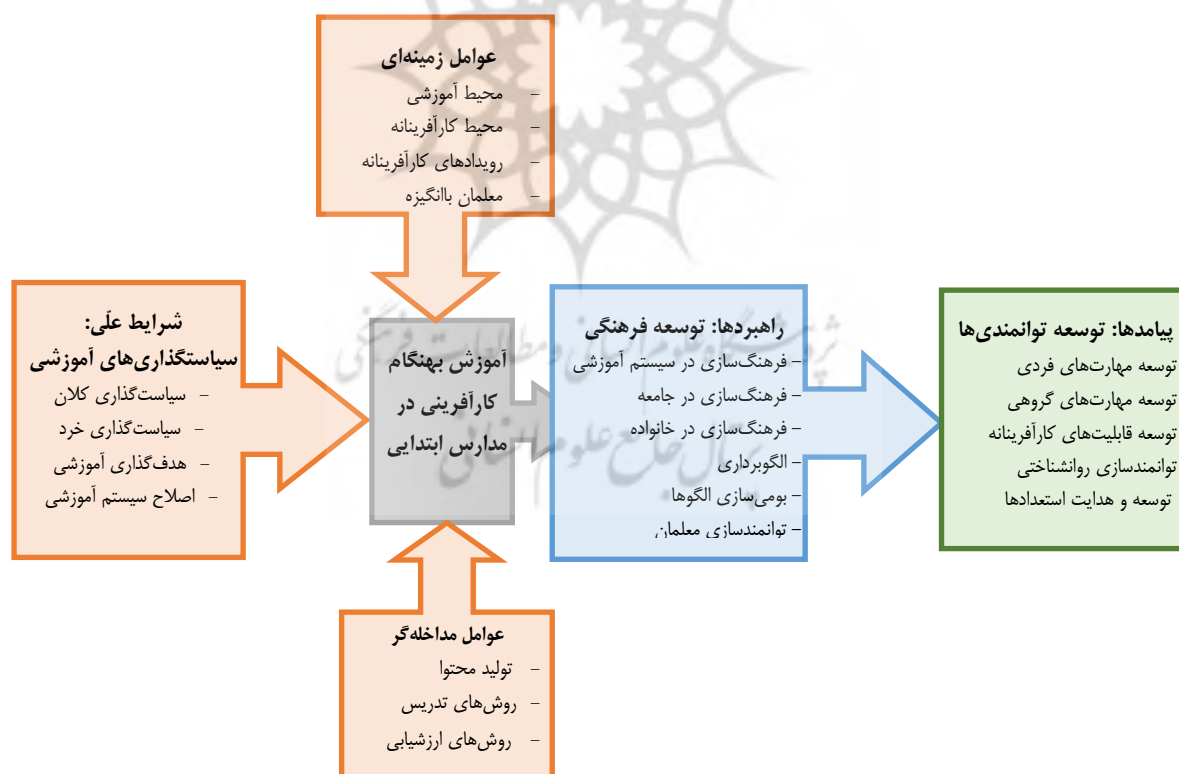
طبقه پیامدهای آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی مشتمل بر پنج زیرطبقه «توانمندسازی روان‌شناختی»، «توسعه مهارت‌های گروهی»، «توسعه مهارت‌های فردی»، «توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه» و «توسعه و هدایت استعدادها» است. زیرطبقه «توانمندسازی روان‌شناختی» شامل مفاهیم پرورش خلاقیت، افزایش اعتماد به نفس و تقویت خودکارآمدی است. زیرطبقه «توسعه مهارت‌های گروهی» شامل مفاهیم پرورش مهارت‌های کار تیمی، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش همکاری و تشریک‌مساعی و تمرکز بر کارگروهی در آموزش کارآفرینی می‌باشد. زیرطبقه «توسعه مهارت‌های فردی» شامل مفاهیم پرورش مهارت‌های کارآفرینانه، تفکر در موقعیت‌های چندوجهی و اتخاذ بهترین تصمیم، توجه همزمان به کسب دانش و پرورش مهارت‌ها، پرورش روحیه پژوهشگری، یادگیری درباره کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار و تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه است. زیرطبقه «توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه» شامل مفاهیم پرورش مهارت‌های ارتباطی، پرورش مهارت‌های مدیریت زمان، پرورش مهارت‌های اجتماعی، پرورش ریسک‌پذیری، پرورش تفکر انتقادی، پرورش مهارت سخنوری، پرورش استقلال‌طلبی، پرورش مهارت حل‌مسئله، پرورش مسئولیت‌پذیری، پرورش تفکر خلاق و پرورش مهارت‌های مدیریت پول می‌باشد. زیرطبقه «توسعه و هدایت استعدادها» نیز شامل شناسایی استعدادهای شغلی و تحصیلی دانش‌آموزان، هدایت شغلی دانش‌آموزان براساس استعدادهای آن‌ها و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان براساس استعدادهای آن‌ها می‌باشد؛ به‌عبارتی، از نظر خبرگان عوامل نامبرده پیامدهای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام خواهند بود.

جدول ۷. طبقات و زیرطبقات استخراج شده در کدگذاری محوری (پیامدها)

ردیف	مفاهیم	زیر طبقه	طبقه
۱	پرورش خلاقیت	توانمندسازی روان‌شناختی	توانمندسازی
۲	افزایش اعتماد به نفس		
۳	تقویت خودکارآمدی		
۴	پرورش مهارت‌های کار تیمی	مهارت‌های گروهی توسعه	توسعه
۵	آموزش مهارت‌های زندگی		
۶	آموزش همکاری و تشریک مساعی		
۷	تمرکز بر کار گروهی در آموزش کارآفرینی		
۸	پرورش مهارت‌های کارآفرینانه	توسعه مهارت‌های فردی	توسعه مهارت‌های فردی
۹	تفکر در موقعیت‌های چندوجهی و اتخاذ بهترین تصمیم		
۱۰	توجه همزمان به کسب دانش و پرورش مهارت‌ها		
۱۱	پرورش روحیه پژوهشگری		
۱۲	یادگیری درباره کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار		
۱۳	تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه		
۱۴	پرورش مهارت‌های ارتباطی	توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه	توسعه
۱۵	پرورش مهارت‌های مدیریت زمان		
۱۶	پرورش مهارت‌های اجتماعی		
۱۷	پرورش ریسک‌پذیری		
۱۸	پرورش تفکر انتقادی		
۱۹	پرورش مهارت سخنوری		
۲۰	پرورش استقلال‌طلبی		
۲۱	پرورش مهارت حل مسئله		
۲۲	پرورش مسئولیت‌پذیری		
۲۳	پرورش تفکر خلاق		
۲۴	پرورش مهارت‌های مدیریت پول		
۲۵	شناسایی استعداد‌های شغلی دانش‌آموزان	توسعه و هدایت استعدادها	توسعه و هدایت استعدادها
۲۶	شناسایی استعداد‌های تحصیلی دانش‌آموزان		
۲۷	هدایت شغلی دانش‌آموزان بر اساس استعداد‌های آنها		
۲۸	هدایت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس استعداد‌های آنها		

کدگذاری انتخابی: سیاست‌گذاری در دو سطح خرد و کلان می‌تواند توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی را برای دانش‌آموزان ابتدایی قطعی نماید؛ افزون بر این، هدف‌گذاری‌های دقیق آموزشی و نیز اصلاح سیستم آموزشی کشور مسیر توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی را هموار می‌نماید. در واقع، در صورت باور سیاست‌گذاران به آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان و سیاست‌گذاری آن‌ها در این حوزه و نیز تعیین اهداف دقیق برای آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان می‌توان اظهار داشت که گام‌های اساسی در راستای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام برداشته شده است؛ این درحالی است که اقدامات اساسی در راستای اصلاح سیستم آموزشی نیز این امر را تسریع می‌نماید. ناگفته نماند که آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی تحت تأثیر یکسری عوامل بیرونی تحت عنوان عوامل زمینه‌ای قرار دارد که عبارتند از: محیط آموزشی، محیط کارآفرینانه، رویدادهای کارآفرینانه و معلمان بانگیزه؛ در واقع خلق محیط‌های آموزشی مناسب و کارآفرینانه و نیز برگزاری رویدادهای کارآفرینانه مستقیماً بر آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی تأثیرگذار بوده و این درحالی است که وجود معلمان بانگیزه در حوزه آموزش کارآفرینی این تأثیر را دوچندان می‌نماید. با این وجود، باید متذکر شد، عواملی که تاکنون ذکر آن‌ها گذشت به‌صورت مستقیم بر آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان

ایلام اثرگذار می‌باشند؛ با این حال، عوامل بیرونی دیگری وجود دارند که به صورت غیرمستقیم بر آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی اثرگذار می‌باشند. این عوامل که به عنوان عوامل مداخله‌گر مطرح می‌شوند، شامل: تولید محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی از فعالیت‌های دانش‌آموزان مدارس ابتدایی می‌باشند؛ در واقع، تولید محتواهای کارآفرینانه و بهره‌گیری از روش‌های تدریس و ارزشیابی مناسب می‌تواند آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی را به طور ویژه‌ای تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام نیازمند تمهیدات و اقدامات ویژه‌ای می‌باشد. در این راستا، یافته‌ها حاکی از آن بود که راهکارهای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام شامل فرهنگ‌سازی در سطح خانواده، الگوبرداری، بومی‌سازی الگوها و توانمندسازی معلمان است که به واسطه این اقدامات شرایط جهت توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی تحت تأثیر راهکارهای فوق‌الذکر می‌تواند پیامدهای مثبتی برای دانش‌آموزان در پی داشته باشد. بدین صورت که توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام می‌تواند نتایجی مانند: توسعه و تقویت مهارت‌های فردی، مهارت‌های گروهی، توانمندسازی روان‌شناختی، توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه را به دنبال داشته و در نهایت، منجر به شناسایی و هدایت استعدادها، تحصیلی و شغلی آن‌ها جهت ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر و ورود موفق آن‌ها در آینده‌ای نه چندان دور به جامعه و دنیای کسب‌وکار گردد.



شکل ۱. مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام

تحلیل جنسیتی: در این بخش از آزمون مقایسه میانگین تی مستقل برای آزمون تفاوت بین شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها براساس متغیر جنسیت (مرد- زن) پاسخگویان بهره گرفته شد.

نتایج جدول ۸، حاکی از آن است که بین معلمان و مدیران زن و مرد مدارس ابتدایی شهرستان ایلام از نظر متغیرهای سیاست‌گذاری کلان ($t=0/07$, $sig=0/09$)، اصلاح سیستم آموزشی ($t=0/89$, $sig=0/37$)، هدف‌گذاری آموزشی ($t=0/47$, $sig=0/47$) و سیاست‌گذاری خرد ($t=1/009$, $sig=0/31$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۸. مقایسه دیدگاه پاسخگویان زن و مرد از نظر عوامل علی در مدل آموزش بهنگام کارآفرینی

طبقه	زیر طبقه‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	Sig
عوامل علی	سیاست‌گذاری کلان	زن	۳/۴۲	۰/۷۰	۰/۰۷	۰/۰۹
		مرد	۳/۴۰	۰/۶۶		
	اصلاح سیستم آموزشی	زن	۳/۴۳	۰/۶۳	۰/۸۹	۰/۳۷
		مرد	۳/۳۶	۰/۶۶		
	هدف‌گذاری آموزشی	زن	۳/۵۲	۰/۷۰	۰/۷۱	۰/۴۷
		مرد	۳/۴۶	۰/۷۱		
	سیاست‌گذاری خرد	زن	۳/۵۰	۰/۶۴	۱/۰۰۹	۰/۳۱
		مرد	۳/۴۱	۰/۷۲		

مطابق نتایج جدول ۹، بین دیدگاه مدیران و معلمان زن و مرد از نظر متغیرهای محیط آموزشی ($t=0/39$, $sig=0/85$)، محیط کارآفرینانه ($t=0/24$, $sig=0/80$)، رویدادهای کارآفرینانه ($t=1/72$, $sig=0/08$) و معلمان بانگیزه ($t=0/53$, $sig=0/59$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۹. مقایسه دیدگاه پاسخگویان زن و مرد از نظر عوامل زمینه‌ای در مدل آموزش بهنگام کارآفرینی

طبقه	زیر طبقه‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	Sig
عوامل زمینه‌ای	محیط آموزشی	زن	۳/۵۳	۰/۶۸	۰/۳۹	۰/۸۵
		مرد	۳/۴۵	۰/۷۹		
	محیط کارآفرینانه	زن	۳/۴۸	۰/۷۸	۰/۲۴	۰/۸۰
		مرد	۳/۴۶	۰/۸۱		
	رویدادهای کارآفرینانه	زن	۳/۴۵	۰/۶۸	۱/۷۲	۰/۰۸
		مرد	۳/۲۸	۰/۹۰		
	معلمان بانگیزه	زن	۳/۵۳	۰/۶۵	۰/۵۳	۰/۵۹
		مرد	۳/۴۸	۰/۷۶		

جدول ۱۰. مقایسه دیدگاه پاسخگویان زن و مرد از نظر عوامل مداخله‌گر در مدل آموزش بهنگام

طبقه	زیر طبقه‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	Sig
عوامل مداخله‌گر	تولید محتوا	زن	۳/۵۴	۰/۵۶	۲/۳۳*	۰/۰۲
		مرد	۳/۴۸	۰/۷۳		
	روش‌های تدریس	زن	۳/۵۴	۰/۶۸	۰/۶۶	۰/۵۰
		مرد	۳/۴۸	۰/۷۱		
	روش‌های ارزشیابی	زن	۳/۲۸	۰/۸۵	۱/۸۶	۰/۰۶
		مرد	۳/۰۷	۰/۸۸		

* معناداری در سطح خطای پنج درصد

مطابق نتایج جدول ۱۰، بین دیدگاه مدیران و معلمان زن و مرد از نظر متغیر تولید محتوا ($t = ۲/۳۲$, $sig = ۰/۰۲$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ اما از نظر متغیرهای روش‌های تدریس ($t = ۰/۶۶$, $sig = ۰/۵۰$) و روش‌های ارزشیابی ($t = ۱/۸۶$, $sig = ۰/۰۶$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

مطابق نتایج جدول ۱۱، بین دیدگاه مدیران و معلمان زن و مرد از نظر متغیرهای فرهنگ‌سازی در سیستم آموزشی ($t = ۱/۰۱$, $sig = ۰/۳۱$)، فرهنگ‌سازی در جامعه ($t = ۰/۷۰$, $sig = ۰/۴۵$)، فرهنگ‌سازی در خانواده ($t = ۱/۳۹$, $sig = ۰/۱۶$)، الگوبرداری ($t = ۰/۸۱$, $sig = ۰/۴۱$)، بومی‌سازی الگوها ($t = ۰/۶۱$, $sig = ۰/۵۴$) و توانمندسازی معلمان ($t = ۰/۹۱$, $sig = ۰/۳۵$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۱۱. مقایسه دیدگاه پاسخگویان زن و مرد از نظر اتخاذ راهبردها در مدل آموزش بهنگام کارآفرینی

طبقه	زیر طبقه‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	Sig
راهبردها	فرهنگ‌سازی در سیستم آموزشی	زن	۳/۵۵	۰/۷۵	۱/۰۱	۰/۳۱
		مرد	۳/۴۶	۰/۵۹		
	فرهنگ‌سازی در جامعه	زن	۳/۵۲	۰/۶۴	۰/۷۰	۰/۴۵
		مرد	۳/۴۶	۰/۷۲		
	فرهنگ‌سازی در خانواده	زن	۳/۵۴	۰/۶۶	۱/۳۹	۰/۱۶
		مرد	۳/۴۱	۰/۷۳		
	الگوبرداری	زن	۳/۴۸	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۴۱
		مرد	۳/۳۹	۰/۷۱		
	بومی‌سازی الگوها	زن	۳/۵۲	۰/۷۰	۰/۶۱	۰/۵۴
		مرد	۳/۴۶	۰/۶۱		
	توانمندسازی معلمان	زن	۳/۵۷	۰/۷۵	۰/۹۱	۰/۳۵
		مرد	۳/۴۸	۰/۷۲		

مطابق نتایج جدول ۱۲، بین دیدگاه مدیران و معلمان زن و مرد از نظر متغیرهای توانمندسازی روانشناختی ($sig = ۰/۲۶$)، توسعه مهارت‌های گروهی ($t = ۱/۶۸$, $sig = ۰/۰۹$)، توسعه مهارت‌های فردی ($t = ۱/۵۸$, $sig = ۰/۰۶$)، توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه ($t = ۰/۹۶$, $sig = ۰/۳۳$) و توسعه و هدایت استعدادها ($t = ۱/۴۰$, $sig = ۰/۱۶$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۱۲. مقایسه دیدگاه پاسخگویان زن و مرد از نظر پیامدها در مدل آموزش بهنگام کارآفرینی

طبقه	زیر طبقه‌ها	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	t	Sig
پیامدها	توانمندسازی روانشناختی	زن	۳/۶۰	۰/۷۰	۱/۱۱	۰/۲۶
		مرد	۳/۵۰	۰/۵۵		
	توسعه مهارت‌های گروهی	زن	۳/۵۶	۰/۷۴	۱/۶۸	۰/۰۹
		مرد	۳/۴۰	۰/۶۷		
	توسعه مهارت‌های فردی	زن	۳/۵۵	۰/۶۶	۱/۵۸	۰/۰۶
		مرد	۳/۳۹	۰/۶۲		
	توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه	زن	۳/۵۴	۰/۷۱	۰/۹۶	۰/۳۳
		مرد	۳/۴۵	۰/۵۶		
	توسعه و هدایت استعدادها	زن	۳/۵۰	۰/۸۲	۱/۴۰	۰/۱۶
		مرد	۳/۳۴	۰/۸۳		

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که سیاست‌گذاری کلان، سیاست‌گذاری خرد، هدف‌گذاری آموزشی و اصلاح سیستم آموزشی چهار عاملی هستند که مستقیماً توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در توضیح عوامل فوق‌الذکر می‌توان اظهار داشت که به واسطه سیاست‌گذاری در سطح وزارت آموزش و پرورش و نیز اجرای سیاست‌ها در سطح ادارات کل آموزش و پرورش استان و شهرستان، آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام نهادینه می‌شود. البته واضح است که هدف‌گذاری دقیق و منظم و نیز اصلاح سیستم آموزشی کشور می‌تواند تأثیر به‌سزایی در توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی داشته باشد؛ چرا که هدف‌گذاری دقیق برنامه‌های آموزش کارآفرینی متناسب با نیازهای جامعه، نیاز و سن دانش‌آموزان و نیز امکانات و شرایط موجود تأثیر به‌سزایی در توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی داشته و این درحالی است که با اصلاح وضعیت سیستم آموزشی کشور، آموزش کارآفرینی بهنگام و جلوگیری از تغییرات مکرر استراتژی‌های سیستم آموزشی کشور این تأثیرگذاری عمیق‌تر خواهد شد.

نتایج تحقیق حاکی از آن بود که محیط آموزشی، محیط کارآفرینانه، رویدادهای کارآفرینانه و معلمان بانگیزه عوامل زمینه‌ای هستند که توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در توضیح و تبیین چگونگی اثرگذاری این عوامل می‌توان اظهار داشت که فراهم بودن محیط‌های آموزشی مناسب و کارآفرینانه زمینه را برای توسعه برنامه‌های آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی فراهم نموده است. البته واضح است که بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها تا حدود زیادی مرهون برگزاری رویدادهای کارآفرینانه ویژه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و نیز حضور معلمان بانگیزه دارای دانش و تخصص و تجربه و غیره می‌باشد. در تأیید یافته‌های این پژوهش، موبرگ (Moberg, 2014) بر این باور است که می‌بایست کارآفرینی به‌عنوان یک موضوع در مدارس ابتدایی لحاظ گردد؛ مارکوس و آلبوکوک (Marques & Albuquerque, 2012) نیز معتقدند، سیستم‌های آموزشی باید به ایجاد و ترغیب فرهنگ کارآفرینانه در سطح مدارس ابتدایی کمک نمایند. به زعم مرتضی‌نژاد و همکاران (Mortezanejad et al., 2017) نیز می‌بایست اقدامات عملی و کاربردی از دوران کودکی و مقطع ابتدایی شروع شود و ویژگی‌ها و شایستگی‌های عمومی کارآفرینانه در وجود کودکان نهادینه گردد. از دیگر سو، زنگنه و همکاران (Zanganeh et al., 2019) نیز بر این باورند که معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی می‌باشند.

این پژوهش تولید محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی به‌عنوان سه عامل مداخله‌گر در توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شناسایی شدند؛ در واقع، عوامل مداخله‌گر دسته‌ای از عوامل بیرونی هستند که به‌صورت غیرمستقیم بر توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی اثر می‌گذارند. در این راستا، باید توجه داشت که تولید محتواهای درسی ساده و جذاب و متناسب با سن و نیاز دانش‌آموزان و نیز تولید محتوا توسط افراد خبره و صاحب‌نظر موجب توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شده و این درحالی است که با بهره‌گیری از روش‌های تدریس جدید و خلاقانه و نیز روش‌های ارزشیابی مناسب این تأثیر چند برابر می‌شود. در تأیید یافته‌های این تحقیق، مذبوحی و همکاران (Mazbouhi et al., 2015) بر این باورند که چارچوب‌ها، دیدگاه‌ها و اهداف متفاوت برنامه‌های آموزش کارآفرینی منجر به ایجاد تفاوت در محتوای این برنامه‌ها و دوره‌ها می‌شود، بدین‌صورت که در دوره‌های مختلف آموزش کارآفرینی متناسب با اهداف، محتواهای متفاوت به فراگیران ارائه می‌شود. به علاوه، به زعم مرتضی‌نژاد و همکاران (Mortezanejad et al., 2017) یکی از مهم‌ترین اقدامات در برنامه درسی کارآفرینی تعیین شیوه‌های تدریس مناسب بوده؛ زیرا ماهیت کارآفرینی مؤید آن است که به‌کارگیری راهبردهای اثربخش می‌تواند ضامن موفقیت برنامه در دست‌یابی به اهداف تعیین شده باشد. مارکوس و آلبوکوک (Marques & Albuquerque, 2012) نیز معتقدند که آموزش کارآفرینی مستلزم روش‌ها و رویکردهای آموزشی متفاوتی است؛ چراکه استفاده از روش‌های آموزشی رایج برای رشد و توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه نتایج مورد انتظار را برآورده

نخواهد کرد. افزون بر این، به‌زعم زنگنه و همکاران (Zanganeh et al., 2019) توجه به این امر مهم است که در آموزش کارآفرینی از روش‌های تدریس، ارزشیابی و محتوای یادگیری استفاده شود که مربوط به محیط واقعی کارآفرینی، یادگیری فعال و مبتنی بر تجارب باشد. همچنین، به‌زعم مرتضی‌نژاد و همکاران (Mortezanejad et al., 2017) هدف از ارزشیابی نباید اختصاص نمره یا تصمیم‌گیری به‌منظور ارتقا باشد، بلکه ارزشیابی‌ها از نوع فرایندی و بازخورد حاصل از آن به‌منظور بهبود راهبردهای یاددهی و یادگیری و برطرف کردن نقاط ضعف احتمالی باشد تا دانش‌آموزان بتوانند با اعتماد به‌نفس و توانمندی بیشتر در مسیر عمل گام بردارند.

نتایج نشان داد که راهبردهای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شامل فرهنگ‌سازی در سیستم آموزشی، فرهنگ‌سازی در جامعه، فرهنگ‌سازی در خانواده، الگوبرداری، بومی‌سازی الگوها و توانمندسازی معلمان می‌باشد؛ لذا می‌بایست جهت تغییر باور سیاست‌گذاران، مدیران و معلمان مدارس ابتدایی تمهیدات لازم اندیشیده شود و اقدامات ضروری صورت پذیرد؛ البته نباید از نظر دور داشت که استفاده از ظرفیت رسانه‌ها در تقویت فرهنگ کارآفرینی و نهادینه کردن آن در سطح جامعه تأثیر به‌سزایی داشته؛ از این‌رو، می‌طلبد که از آن‌ها به شکل بهینه‌تری استفاده گردد. از دیگر سو، می‌بایست مدارس تمهیدات لازم و اقدامات مقتضی را در راستای ایجاد آگاهی در خانواده‌ها نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی مبذول داشته و نگرش مثبتی در خصوص اهمیت آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی در میان والدین آن‌ها ایجاد نمایند. همچنین، با الگوبرداری از سیستم‌های آموزشی موفق دنیا، مدل‌های مناسب آموزشی و نیز الگوبرداری‌های مناسب از مدارس، معلمان و دانش‌آموزان فعال و موفق در حوزه کارآفرینی در مسیر توسعه آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی با انگیزه بیشتری حرکت نمود و بستر مناسب را برای توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام فراهم آورد؛ این درحالی است که با توانمندسازی معلمان از طریق آموزش معلمان و به‌روز نمودن دانش آن‌ها، هدفمند کردن دوره‌های آموزش ضمن خدمت و تأمین مالی معلمان حرکت در مسیر توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام سهل‌تر می‌گردد. در تأیید یافته‌های این پژوهش، مرتضی‌نژاد و همکاران (Mortezanejad et al., 2017) بر این باورند که فرهنگ‌سازی از طریق تبلیغات گسترده و رسانه‌های جمعی امری مهم و ضروری بوده که باید در تدوین اهداف آموزش کارآفرینی به‌طور ویژه مدنظر قرار گیرد؛ این درحالی است که به‌زعم موبرگ (Moberg, 2014) در خلال سال‌های اولیه کودکی اگر سرمایه‌گذاری خانواده‌ها بر روی کودکان با آموزش مناسب در مدارس ابتدایی همراه گردد، چه بسا پیامدهای مفیدی در پی داشته باشد. به‌علاوه، باید توجه داشت که مطابق مطالعات زنگنه و همکاران (Zanganeh et al., 2019) معلمان می‌توانند کارآفرینی را با فرآیند یاددهی- یادگیری و زندگی روزمره کودکان طوری گره بزنند که کودکان ناخواسته همچون کارآفرینان فکر کنند، مخاطره‌پذیر و مسئولیت‌پذیر شوند، از مهارت‌های حل مسئله برخوردار گردند، فرصت‌های ثروت‌آفرینی مادی و معنوی را به‌خوبی تشخیص دهند و قادر باشند تا ارزش‌آفرینی کنند؛ لذا توانمندسازی آن‌ها در حوزه کارآفرینی و آموزش‌های مرتبط با آن مسیر توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی را فراهم می‌نماید.

در این پژوهش نتایج نشان داد که پیامدهای آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ایلام شامل توسعه مهارت‌های فردی، توسعه مهارت‌های گروهی، توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه، توانمندسازی روان‌شناختی و توسعه و هدایت استعدادها هستند؛ در واقع، رسیدن به این نتایج موجب پرورش دانش‌آموزانی دارای مهارت و قابلیت‌های کارآفرینانه می‌شود که آینده‌سازان جامعه بوده و چه بسا هرچقدر دانش‌آموزان دارای مهارت‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه بیشتری باشند، می‌توانند بیشتر و بیشتر به ساخت جامعه و توسعه آن کمک نمایند. در راستای نتایج این تحقیق، سبزه (Sabzeh, 2015) معتقد است، همان‌گونه که یادگیری خواندن، نوشتن و حساب کردن برای کودکان مهم است، آموزش کارآفرینی به کودکان نیز لازم و ضروری بوده؛ چرا که آموزش کارآفرینی به کودکان می‌تواند مهارت‌های مهمی را که لازمه پیشرفت زندگی کودکان است به آن‌ها بدهد. کارکامو- سولیس و همکاران (Carcamo-Solis et al., 2017) نیز بر این باورند که بهبود قابل‌توجهی در دانش

اجرائی و مهارت‌های کارآفرینانه و همچنین تقویت ارزش‌های کسب‌وکار در دانش‌آموزان شرکت‌کننده در برنامه‌های آموزش کارآفرینی ایجاد می‌شود.

براساس نتایج پژوهش مشخص شد که تفاوت معناداری بین اکثر مؤلفه‌های مدل آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی براساس جنسیت معلمان و مدیران پاسخگو وجود ندارد؛ در واقع، این نتایج نشان می‌دهد که معلمان و مدیران زن مورد مطالعه اهمیت و ارزش مؤلفه‌های مدل آموزش بهنگام کارآفرینی را برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی یکسان درک می‌کنند. براساس این یافته‌ها فقط دیدگاه آن‌ها در خصوص مؤلفه تولید محتوا متفاوت بود؛ به‌گونه‌ای که میانگین متغیر «تولید محتوا» در بین مدیران و معلمان زن ۳/۵۴ و میانگین آن در میان مدیران و معلمان مرد ۳/۳۴ بود که تفاوت معنی‌داری داشت و معلمان زن اعتقاد بیشتری به نقش تولید محتوای مناسب در توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی داشتند.

با توجه به یافته‌های تحقیق به‌منظور توسعه آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ایلام پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. وضع قوانین و سیاست‌های مربوط به اجرای برنامه‌های آموزش بهنگام کارآفرینی برای دانش‌آموزان ابتدایی در سطح وزارتخانه آموزش و پرورش و پیگیری این قوانین و سیاست‌ها در سطح ادارات کل آموزش و پرورش استان و شهرستان؛
۲. فرهنگ‌سازی در سطح سیستم آموزشی و تلاش جهت تغییر باور و ایجاد نگرش مثبت در سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران و معلمان مدارس ابتدایی در راستای توجه جدی به مقوله آموزش بهنگام کارآفرینی و ضرورت آن برای دانش‌آموزان ابتدایی؛
۳. تولید محتواهای مناسب آموزشی برای دانش‌آموزان ابتدایی به‌منظور ارتقاء دانش کارآفرینی آن‌ها.

References

- Adib Haj Bagheri, M. (2014). *Introducing the book Grounded Theory research method: Theorizing method in human sciences*, Tehran, Boshra, Tohfeh.
- Adib Haj Bagheri, M., Parvizi, S., & Salsali, M. (2014). *Qualitative research methods book*, Tehran, Boshra, Tohfeh.
- Ahmadi, A., Mohammad Kazemi, R. & Mohammadi Elyasi, GH. (2018). Identification of Entrepreneurship Teaching Methods in Affective Domain of Learning Through Edutainment Approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 10(2), 201-220. 10.22059/JED.2017.214928.651945.
- Ahmadpour, K., Bahmaei, L., & Barekat, G.H. (2022). Designing a model of effective curriculum elements in the success of the elementary school system in Iran. *Journal of Modern Thoughts in Education*, 17(3), 113 -127
- Arasti, Z., Ghoddosi, S., & Bagheri, A. (2017). The Effect of entrepreneurship education by storytelling on Entrepreneurial Attitude of Primary School students. *Journal of Entrepreneurship Development*, 9(4), 593-612.
- Azizi, M., & Mokhtari, N. (2018). Entrepreneurship education for knowing, doing and being in primary school with integrated approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 10(4), 635-654.
- Azzaakiyyah, H. K. (2023). An Entrepreneur's Character from Professor Musa Asy'arie's Perspective. *Journal of Tourism and Business*, 1(1), 6–13. <https://doi.org/10.58905/apollo.v1i1.7>.
- Carcamo-Solis, M. L., Arroyo-Lopez, M. P., Alvarez-Castanon, L. A., & Garcia-Lopez, E. (2017). Developing entrepreneurship in primary schools. The Mexican experience of "My first enterprise: Entrepreneurship by playing". *Teaching and Teacher Education*, 64(3), 291-304.
- Diawati, P., Ausat, A. M. A., & Augustin, J. (2023). Creativity: How to Develop an Entrepreneurial Attitude of Creativity. *Journal on Education*, 5(4), 1116–1122. <https://jonedu.org/index.php/joe/article/view/2036>.
- Elert, N., Andersson, F. W., & Wennberg, K. (2015). The impact of entrepreneurship education in high school on long-term entrepreneurial performance. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 111, 209-223.
- Gadzali, S. S., Harahap, M. A. K., Tarigan, I. M., Nasution, A. A., & Ausat, A. M. A. (2023). Women's Entrepreneurship: An Examination of Government Support and the Role of Knowledge Skills. *Community Development Journal*, 4(1), 713–717. <https://doi.org/10.31004/cdj.v4i1.12464>.
- Huber, L. R., Sloof, R., & Praag, M. V. (2014). The effect of early entrepreneurship education: Evidence from a randomized field experiment. *European Economic Review*, 72, 76-97.
- Johannisson, B. (2010). The agony of the Swedish school when confronted by entrepreneurship. In K. Skogen, & J. Sjøvoll (Eds.), *Creativity and Innovation: Preconditions for Entrepreneurial Education*. Trondheim: Tapir Academic Press.
- Juvova, A. Cech, T., & Duda, O. (2017). Education for Entrepreneurship A challenge for School Practice. *Acta Educationis Generalis*, 7(3), 63- 75.

- Manafe, M. W. N., Ohara, M. R., Gadzali, S. S., Harahap, M. A. K., & Ausat, A. M. A. (2023). Exploring the Relationship Between Entrepreneurial Mindsets and Business Success: Implications for Entrepreneurship Education. *Journal on Education*, 5(4), 12540-12547.
- Marques, L. A., & Albuquerque, C. (2012). Entrepreneurship education and the development of young people life competencies and skills. *Journal of Entrepreneurship Perspectives*, 1(2), 55-68.
- Mazbouhi, S., Sharafi, M., & Moghadam, M. (2012). Entrepreneurship Curriculum: Objectives, Content, Teaching Methods and Evaluation. *Innovation & Creativity In Human Science*, 1(3), 97-130. SID. <https://sid.ir/paper/223454/en>.
- Moberg, K. (2014). Two approaches to entrepreneurship education: The different effects of education for and through entrepreneurship at the lower secondary level. *The International Journal of Management Education*, 12(3), 1-17.
- Mohammad Taghi, I., & Mohamadian, M. (2008). Grounded Theory Methodology. *Journal of Methodology of Social Sciences and Humanities*, 14(56), 31-54.
- Mortezanejad, N., Attaran, M., Hosseinikhah, A., & Abbasi, E. (2017). Explaining the elements of the entrepreneurship curriculum in the course of general education (synthesis). *Two quarterly journals of theory and practice in the curriculum*, 5(9), 105-142.
- Nwekeaku, C. (2013). Entrepreneurship education and challenges to Nigerian Universities. *Journal of Education and Practice*, 4(3), 51-56.
- O'Connor, A. (2013). A conceptual framework for entrepreneurship education policy: Meeting government and economic purposes. *Journal of Business Venturing*, 28(4), 546-563.
- Omidi, J., Hashemi, S. A., Gholash, A., & Mashinchi, A. (2019). Designing a curriculum design for entrepreneurship education for junior high School Students. *Theory and practice*. 7 (14) , 5-34. URL: <http://cstp.khu.ac.ir/article-1-2939-fa.html>.
- Oosterbeek, H., Praag, M. V., & Ijsselstein, A. (2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European Economic Review*, 54, 442-454.
- Sabzeh, B. (2015). Designing a Model for Entrepreneurship Curriculum for Preschool Children and Its Evaluation due to the Viewpoint of Specialists in curriculum, Entrepreneurship and Educators. *Journal of Preschool and Elementary School Studies*, 1(1), 113-140.
- Sarikaya, M., & Coskun, E. (2015). A New Approach in Preschool Education: Social Entrepreneurship Education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 195 (2015) 888- 894. Available online at www.sciencedirect.com.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2015). *Fundamentals of qualitative research: techniques and stages of generating grounded theory*, Ney Publishing.
- Wardani, E. K., Suharini, E., & Deni Setiawan, D. (2019). The Effectiveness of role playing based entrepreneurial pedagogy approach on the values of entrepreneurship in elementary school. *Journal of Primary Education*, 8(1), 43-50.
- Whitlock, A.M. (2019). Elementary school entrepreneurs. *Interdisciplinary Journal of Problem-Based Learning*, 13(1), 1-11.
- Zanganeh, H., Kaousi, A., & Bahrami, Z. (2019). Teachers' attitude towards teaching-learning methods of entrepreneurship education in elementary school. *Bimonthly Scientific-Research Education Strategies in Medical Sciences*, 12(6): 1-7. URL: <http://edcbmj.ir/article-1-1746-fa.html>.